

آزادی و عدالت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران

منصور میراحمدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۲/۵

فصلنامه آفاق امنیت / سال هشتم / شماره بیست و ششم - بهار ۱۳۹۴

چکیده

مقاله حاضر با تکیه بر آموزه‌های مکتون در آثار رهبران فکری انقلاب اسلامی، به بررسی مناسبات آزادی و امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. از نظر نگارنده، در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، از آنجا که عدالت زمینه‌ساز امنیت و امنیت نیز زمینه‌ساز آزادی است، عدالت زمینه‌ساز آزادی دانسته شده و در نتیجه به تقدم عدالت بر آزادی در این مکتب امنیتی حکم داده میشود. البته تقدم عدالت بر آزادی نه به مفهوم تک عاملی بودن تحقق آزادی، بلکه به مفهوم تقدم عدالت در زمینه‌سازی تحقق آزادی است. این تقدم همچنین به مفهوم کم‌اهمیت بودن ارزش آزادی در مکتب امنیتی مذکور نبوده، در برابر بر اهمیت آزادی به مثابه ثمره عدالت و امنیت دلالت دارد.

واژگان کلیدی

آزادی، عدالت، امنیت، مکتب امنیتی، جمهوری اسلامی ایران



مقدمه

بررسی مناسبات آزادی و عدالت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران به عنوان هدف اساسی نوشتار حاضر مستلزم بررسی مناسبات مفهومی سه مفهوم کلیدی آزادی، عدالت و امنیت در گفتمان فکری جمهوری اسلامی ایران است. این سه مفهوم در گفتمان فکری مذکور از جایگاه اساسی برخوردارند. فهم این جایگاه در گرو توجه به مناسبات این سه مفهوم است.

مقاله حاضر با تکیه بر آموزه‌های مکتون در آثار رهبران فکری انقلاب اسلامی ایران، تلاش می‌کند به پرسش درباره نسبت آزادی و عدالت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران پاسخ دهد. فرض اساسی این نوشتار این است که در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، از آنجا که عدالت زمینه‌ساز امنیت و امنیت نیز زمینه‌ساز آزادی است، عدالت زمینه‌ساز آزادی دانسته شده، در نتیجه، بر آن تقدم می‌یابد.

تبیین مدعای مذکور در نوشتار حاضر، در سه مرحله صورت می‌گیرد. در مرحله نخست، جایگاه آزادی در گفتمان فکری جمهوری اسلامی ایران بررسی شده، در مرحله دوم، به تبیین جایگاه عدالت در گفتمان مذکور پرداخته می‌شود. مباحث این دو مرحله، مقدمات لازم را برای نسبت‌سنجی آزادی و عدالت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌سازد. در مرحله سوم، پس از نسبت‌سنجی آزادی و امنیت از یک‌سو، و نسبت‌سنجی عدالت و امنیت از سوی دیگر، به نسبت‌سنجی آزادی و عدالت در این مکتب امنیتی پرداخته می‌شود.

۱. آزادی در گفتمان فکری انقلاب اسلامی

فهم جایگاه آزادی در «مکتب امنیتی» جمهوری اسلامی ایران مستلزم فهم آن در «گفتمان فکری» این نظام است. تبیین این جایگاه می‌تواند ارتباط آن را با مفهوم امنیت نیز در این گفتمان فکری نمایان سازد. از این رو، قبل از نسبت‌سنجی آزادی و امنیت که در بخش پایانی مقاله پیگیری می‌شود، نگاهی گذرا به مفهوم آزادی در گفتمان فکری جمهوری اسلامی ضروری است.

آزادی یکی از مفاهیم اساسی در گفتمان فکری جمهوری اسلامی ایران است. در این گفتمان فکری آزادی عمدتاً در سه سطح «آزادی فرهنگی، آزادی مذهبی و آزادی سیاسی-اجتماعی» مورد توجه قرار گرفته است. آزادی فرهنگی در این گفتمان فکری، آزادی در مسیر رشد و تعالی انسان دانسته شده و از آن به «آزادی معنوی»



تعبیر شده است. آزادی معنوی «آزادی انسان، خودش از خودش» تعریف شده (مرتضی مطهری، ۱۳۶۸: ۳۲)، به این معنی که «انسان در درون خودش موجود آزادی باشد». (مرتضی مطهری، ۱۳۸۰: ۲۷۴) که نتیجه آن «رستگاری انسان، تعالی اخلاقی و عروج معنوی انسان است (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۸۷: ۳۶). در این گفتمان فکری، آزادی فرهنگی با این مفهوم، «برترین فضیلت های انسان» به حساب آمده (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۴)، امکان شکوفایی استعدادهای درونی انسان در جهت رسیدن به تعالی او را فراهم می‌سازد. از این دیدگاه، چنانچه استعدادهای درونی انسان شکوفا شود، می‌تواند آزادانه فکر کند، آزادانه تصمیم بگیرد و بر اثر تقلید و تلقین حرکت نکند (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۸۲: ۱۵۰) بدین ترتیب، آزادی فرهنگی در گفتمان فکری جمهوری اسلامی ایران، آزادی انسان از موانع رشد و شکوفایی‌اش در مسیر تعالی است و نتیجه آن، شکوفا شدن استعدادهای انسانی در این مسیر است. انقلاب اسلامی ایران به عنوان نتیجه و پیامد چنین گفتمانی، در صدد زمینه‌سازی لازم برای تحقق آزادی فرهنگی در جامعه ایرانی است.

آزادی مذهبی به عنوان دومین گونه آزادی در گفتمان فکری جمهوری اسلامی ایران، به مفهوم برخورداری اقلیت‌های مذهبی از حق رفتار و عمل بر طبق آیین مذهبی خود است. در این گفتمان فکری، همه اقلیت‌های دینی و مذهبی در اسلام محترم هستند. همه‌گونه آزادی برای انجام دادن فرایض مذهبی خود دارند ... آنان ایرانی‌اند و مثل سایر ایرانیان همه‌گونه حق دارند (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۲۴). در گفتمان فکری مذکور، از آنجا که تمام انسان‌ها در مذهب تشیع آزاد و مستقل هستند (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۵۳۳)، عمل به فرایض دینی آزاد تلقی می‌شود. چنین نگرشی به حق اقلیت‌ها، اگرچه ناظر بر آزادی مذهبی آنان در برگزاری مراسم مذهبی است، امکان مشارکت آنان را در تصمیم‌گیری‌ها نیز به دنبال داشته است؛ زیرا از این دیدگاه، در اسلام بین اقشار ملت‌ها هیچ فرقی نیست. در اسلام حقوق همه ملت‌ها رعایت شده، حقوق مسیحیان مراعات شده، حقوق یهود و زرتشت مراعات شده است... (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۶۸). از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در کشور ایران یهودیها، مسیحی‌ها و زرتشتی‌ها آزادانه زندگی می‌کنند، نماینده به مجلس می‌فرستند و مراسم عبادی خودشان را انجام می‌دهند. (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۱۶۸). بر این اساس، در گفتمان فکری جمهوری اسلامی ایران، آزادی مذهبی به مفهوم برخورداری اقلیت‌های دینی از حق



برگزاری مراسم عبادی و مذهبی بر طبق آیین مذهبی خود به رسمیت شناخته شده و بر این اساس، حقوق اساسی آنان در زندگی سیاسی نیز محترم شمرده شده است. آزادی سیاسی - اجتماعی به عنوان سومین قسم آزادی، از اهمیت ویژه‌ای در گفتمان فکری جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. در این گفتمان فکری، آزادی سیاسی - اجتماعی به مفهوم عام به معنای «رهایی از قیود، محدودیت‌ها، اختناق‌ها، سخت‌گیری‌ها و مانع ایجاد کردن‌هایی است که افراد بشر خودشان برای خود به وجود می‌آوردند» (مرتضی مطهری، ۱۳۸۰: ۲۷۸). آزادی سیاسی - اجتماعی به مفهوم خاص به معنای برخورداری مردم از حقوق اساسی و امکان استیفای این حقوق در قالب‌هایی همچون: آزادی قلم، آزادی بیان، آزادی انتخاب و رأی، آزادی شرکت در تشکل‌ها و انجمن‌ها و ... به رسمیت شناخته شده است. از نگاه امام خمینی (ره)، آزادی به این مفهوم یک امانت الهی دانسته می‌شود (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۷) و از این رو، مهم‌ترین وظیفه دولت فراهم ساختن شرایط تحقق آزادی سیاسی، به‌ویژه در عرصه انتخابات و مطبوعات است (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۳۳). بر این اساس، ایشان تمام اقسام آزادی سیاسی همچون آزادی بیان، قلم، عقیده و رأی را به رسمیت می‌شناسد، اما محدوده آن را توطئه (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۶۲) و یا خیانت معرفی می‌کند (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۳۳۱). به بیان دیگر آزادی سیاسی در صورتی که موجب شکل‌گیری توطئه و یا خیانتی نسبت به نظام سیاسی و مردم نشود، مورد احترام است. چنین نگرشی به آزادی سیاسی، آموزه «آزادی قانونی» را در گفتمان فکری انقلاب اسلامی به دنبال می‌آورد که به موجب آن، آزادی تنها در حدود و قوانین پذیرفته می‌شود (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۴۶).

از میان اقسام مذکور، آزادی سیاسی - اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای در گفتمان فکری انقلاب اسلامی برخوردار است. در این گفتمان، آزادی سیاسی مقدمه استقلال اقتصادی و فرهنگی دانسته می‌شود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸: ۳۵۶) و در نتیجه، هم به مفهوم آزادی از تسلط ابرقدرت‌ها، هم آزادی از حکومت استبدادی و خودکامه‌ی طاغوتی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷: ۹) و هم آزادی از سلطه زورگویی، آزادی از دخالت و نفوذ بیگانگان معنا می‌شود. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷: ۷۹).

بدین ترتیب، دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی درباره آزادی به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم گفتمان فکری انقلاب اسلامی آشکار می‌شود. در این دیدگاه، از یک‌سو، آزادی به عنوان یک حق اساسی پذیرفته می‌شود و از سوی دیگر، به سویه



تکلیفی آن نیز توجه شده است. در این گفتمان فکری، آزادی حق اساسی مردم است و در نتیجه، دولت موظف به زمینه‌سازی برای تحقق آن است. بر این اساس، در گفتمان فکری جمهوری اسلامی ایران با توجه به جنبه تکلیفی آزادی از ناحیه دولت، ضمانت افزونی برای تحقق آزادی مردم در نظر گرفته می‌شود.

۲. عدالت در گفتمان فکری انقلاب اسلامی

تبیین جایگاه عدالت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز مستلزم نگاهی دو سویه است: از یک‌سو، لازم است به توضیح جایگاه عدالت در گفتمان فکری انقلاب اسلامی ایران پرداخته شود و از سوی دیگر، نسبت عدالت و امنیت در این گفتمان فکری توضیح داده شود. بر این اساس، با نگاهی به مفهوم و جایگاه عدالت در گفتمان فکری انقلاب اسلامی ایران، به توضیح نسبت این دو پرداخته، در نتیجه جایگاه عدالت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران روشن می‌شود.

مفهوم عدالت در گفتمان فکری انقلاب اسلامی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. عدالت در این گفتمان فکری که به مفهوم نهادن هر چیز در جایگاه مناسب خودش است، تحت تأثیر نگرش شیعه به «عدل» است. این واژه در منطق شیعه اهمیت مضاعفی یافته، به گونه‌ای که مکتب شیعه از سوی مذاهب دیگر «عدلیه» خوانده شده است (سیدسجاد ایزدهی، ۱۳۷۸: ۶۵). عدالت براساس چنین مفهوم و جایگاهی، در گفتمان فکری انقلاب اسلامی ایران از چنان اهمیتی برخوردار است که تمام قواعد سیاسی و اجتماعی بر آن ابتناء می‌یابد (یحیی فوزی، ۱۳۸۴: ۳۰۰). این نگرش به عدالت ریشه در نگرش امام خمینی (ره) به اسلام دارد. که براساس آن، «اسلام به عنوان مجموعه قوانین جامع الهی- انسانی، نمی‌تواند از عدالت جدا باشد، بلکه اساس و بنیان آن را عدل تشکیل می‌دهد» (محمدحسین جمشیدی، ۱۳۸۸: ۳۲۱). در چنین صورتی، اسلامی بودن حکومت تحقق می‌یابد و نوعی ترادف میان حکومت اسلامی و حکومت عدل برقرار می‌شود.

«ما که می‌گوییم حکومت اسلامی، می‌گوییم حکومت عدالت» (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۵۰۹) از این رو، می‌توان مهم‌ترین هدف تحقق حکومت را در این گفتمان فکری، تحقق عدالت دانست. اما عدالت بی‌تردید، از ابعاد گوناگونی برخوردار است. عدالت اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعاد عدالت به حساب می‌آید. این بعد از عدالت، ارتباطی تنگاتنگ با تأمین [نیازهای] اجتماعی افراد و برابری فرصت‌ها در جامعه دارد.



در جامعه در صورتی عدالت اقتصادی تحقق می‌یابد که اولاً، افراد جامعه از حداقل‌ها برخوردار بوده، امکان تأمین نیازمندی‌های اقتصادی اساسی برای آنان فراهم باشد؛ ثانیاً، فرصت‌های اقتصادی عادلانه‌ای برای همگان در عرصه اقتصادی به منظور فعالیت اقتصادی مولد وجود داشته باشد. در چنین صورتی، در پرتو شکوفایی و رشد اقتصادی، نوعی رفاه و آرامش نیز در جامعه حکم‌فرما می‌شود. چنین رفاه و آرامشی در گفتمان فکری جمهوری اسلامی ایران یکی از اهداف اساسی دولت اسلامی است:

«همه آرمان و آرزوی ملت، دولت و مسئولان کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بریندد و مردم عزیز، صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۱۲۹). در چنین صورتی نیازهای اساسی مردم تأمین می‌شود و در نتیجه، رکن نخست مفهوم عدالت اقتصادی تحقق می‌یابد. اما تحقق کامل آن افزون بر این، نیازمند فراهم بودن فرصت‌های اقتصادی برابر و عدم تبعیض در جامعه است. اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره مقرر داشته است:

«مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود».

آیت‌الله خامنه‌ای نیز تأکید زیادی بر عدالت اقتصادی داشته، توزیع عادلانه ثروت عمومی و درآمد عمومی ملی بین آحاد جامعه را عدالت اقتصادی می‌داند (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۱۴۰). افزون بر این، از نظر ایشان، اسلام عدالت اقتصادی را به رسمیت شناخته، تحقق آن را در صورتی می‌داند که «فرصت‌ها در مقابل همه باشد و امکانات عمومی مورد استفاده همه قرار گیرد» (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۸۵: ۸۸). بر این اساس، عدالت اقتصادی به مفهوم توزیع عادلانه ثروت عمومی در صورتی تحقق می‌یابد که فرصت‌های برابر برای همگان فراهم شود. البته از نظر مقام معظم رهبری، تحقق فرصت‌های برابر و در نتیجه، عدالت اقتصادی نیازمند تحقق شرایط و زمینه‌های متعددی است که به اعتقاد ایشان، «امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی» از مهم‌ترین آنها به حساب می‌آید. (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۷۹: ۱۰۷). بی‌تردید، تحقق عدالت اقتصادی فواید و آثار متعددی دارد که مهم‌ترین آن، از بین رفتن فقر در کشور است (همان). چنین برداشتی از عدالت اقتصادی، اگرچه با برداشت‌های لیبرالی و سوسیالیستی از عدالت اقتصادی شباهت‌هایی پیدا می‌کند، آنچه موجب تمایز گفتمان فکری انقلاب اسلامی از مکاتب مذکور می‌شود، پیوند عدالت اقتصادی



با معنویت است. براساس این گفتمان فکری، «منطق اسلام این است که معنویت را با عدالت، توأم با یکدیگر، می‌باید در جامعه برقرار کرد» (مرتضی مطهری، ۱۳۷۰: ۱۷۳). در نتیجه، در کنار توزیع عادلانه ثروت و تحقق فرصت‌های برابر، توجه به رعایت اصول معنوی اسلام نیز لازم به نظر می‌رسد.

«عدالت قضایی» از دیگر ابعاد مهم عدالت است که به موجب آن، افراد در زمینه‌های مختلف قضایی، به حقوق خود دست یابند. بی‌تردید، تحقق عدالت قضایی در گرو وجود قوانین عادلانه است، اما پر گویاست که در صورت وجود چنین قوانینی نیز نمی‌توان انتظار تحقق عدالت در قضاوت داشت، مگر آنکه دستگاه قضایی در اجرای قوانین عادلانه، شرایط و زمینه‌های لازم را در اختیار داشته باشد. این شرایط، شامل شرایط قضاوت، رویه‌های قضایی و ... است که مسئولیت سنگینی را متوجه دستگاه مذکور می‌گرداند. امام خمینی (ره) این مسئولیت را این گونه توضیح می‌دهد:

«باید خیلی توجه بکنند آقایان قضا، آقایان دادستان‌ها، کسانی که متکفل این امر مهم اسلامی هستند، که مسئولیت زیاد است و لازم هم هست که شما مسئولیت را به عهده بگیرید. باید وارد شد لکن در یک امر بزرگی است. توجه بکنند که جان، مال و ناموس یک ملت در دست این قضا است و در دست دادگاه‌هاست و مسئول این مسائل هستند و باید تا آن مقداری که می‌توانند، تا آن مقداری که قدرت دارند به مصالح عمومی توجه بکنند. نه اینکه گناهکار است از او بگذرند و نه آنکه خدای نخواستگانهکار نیست یک وقتی مبتلا بشود» (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۲۵۲). این فقرات طولانی ضمن نشان دادن اهمیت عدالت قضایی در گفتمان فکری انقلاب اسلامی، ارتباط این‌گونه عدالت را در مقام اجرای قضاوت یادآور می‌شود. بنابراین، عدالت قضایی بیشتر ناظر به اجرای عدالت در قضاوت است که البته متوقف بر وجود قوانین عادلانه نیز هست. در این صورت، به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای، در جامعه شرایط امن برای افراد فراهم می‌شود؛ زیرا اگر «کسی تو صورت کسی زد، کسی به کسی اهانت کرد، آن فردی که مظلوم واقع شده است، در دلش فروغ امید روشن می‌شود» (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۷۶: ۴). در واقع عدالت قضایی شاخه‌ای از عدالت است که عهده‌دار گسترش عدالت در جامعه است و به همین دلیل، از نگاه مقام معظم رهبری، عدالت قضایی در صورتی است که بتوانیم «عدالت را در میان جامعه مستقر کنیم» (همان، ۱۳۹۰: ۱۱۵). در این صورت است که می‌توان اهمیت عدالت قضایی را نسبت به سایر شاخه‌های عدالت اجتماعی مشاهده کرد. به بیان دیگر ضامن تحقق سایر شاخه‌های عدالت اجتماعی، اجرای «عدالت قضایی» در جامعه است.

«عدالت سیاسی» یکی دیگر از ابعاد عدالت است که در گفتمان فکری انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. مقصود از عدالت سیاسی، وضعیتی است که در آن اداره امور مردم به شکلی شایسته صورت گیرد تا فضایی عادلانه برای زندگی اجتماعی مردم فراهم شود. این گونه عدالت، علاوه بر آنکه متضمن مفهوم برابری سیاسی است، رعایت انصاف در تصمیم‌گیری‌های مربوط به روابط اجتماعی به مفهوم عام آن و در نتیجه عدالت اجتماعی حاصل از این تصمیم‌گیری‌ها را نیز شامل می‌شود. (منصور میراحمدی، ۱۳۸۴: ۲۰۷). در گفتمان فکری انقلاب اسلامی، با پذیرش حق برابر انتخاب کردن برای شهروندان، نخستین عنصر عدالت سیاسی پذیرفته می‌شود. امام خمینی (ره) جمهوری اسلامی را «متکی به آرای ملت» دانسته (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۷)، بر این نکته تأکید می‌کند که «ما تابع آرای ملت هستیم» (همان، ج ۱۱: ۳۴). از آنجا که تصمیم‌گیری‌های عمومی لاجرم بر طبق مفهوم عدالت سیاسی باید بر مصالح عمومی مبتنی شود، در گفتمان فکری انقلاب اسلامی، بر ضرورت امکان نظارت عمومی بر تصمیمات و عملکردها تأکید می‌شود. از نظر امام خمینی (ره)، به همین دلیل، همه در برابر کارهای خود پاسخگو هستند و شهروندان بر همه امور و حتی ولی فقیه نظارت می‌کنند و در صورتی که کارگزاران از معیارهای اسلامی خارج شوند و تخطی کنند، مردم می‌توانند اعتراض کنند، تذکر دهند و جلو خطاها را بگیرند (شریف لک‌زایی، ۱۳۸۵: ۱۶۳). بر این اساس، امام خمینی (ره) بر این باور است که در جمهوری اسلامی همه باید با انتقادات و طرح اشکال‌ها راه را برای سعادت جامعه باز کنند (روح‌الله خمینی، ۱۳۶۱: ۷۸). در واقع به رسمیت شناخته شدن حق اعتراض و انتقاد به مفهوم پذیرش حق همگان برای مشارکت فعال در فرایند تصمیم‌گیری به منظور خارج نشدن این تصمیم‌گیری از مسیر انصاف است.

در اندیشه سیاسی امام خامنه‌ای افزون بر موارد فوق، یکی دیگر از عناصر عدالت سیاسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. ایشان به «حق انتخاب شدن» به عنوان یکی دیگر از عناصر عدالت سیاسی پرداخته است. از نظر ایشان، حق انتخاب شدن یک حق شهروندی است، اما تفاوت آن با برخی دیگر از حقوق شهروندی مثل حق شغل و مسکن، این است که انتخاب شدن «یک حق شهروندی است که برای دارنده آن صلاحیت‌هایی لازم است که این صلاحیت‌ها باید احراز شود» (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۸۲: ۱۸۳). به عقیده مقام معظم رهبری، توجه به حق انتخاب شدن با چنین مفهومی در کنار حق انتخاب کردن، برابری سیاسی را به مفهوم خاص به رسمیت می‌شناسد. این انتخاب



«برخاسته از حق و تکلیف الهی انسان است» (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۸۴: ۱۰۸) و به همین دلیل، میان مردم‌سالاری دینی و لیبرال دموکراسی تفاوت بنیادین وجود دارد؛ زیرا در لیبرال دموکراسی تنها بر حق بودن آن توجه شده است، در حالی که در مردم‌سالاری دینی جنبه تکلیفی آن نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

از آنچه گذشت، به اختصار جایگاه عدالت اقتصادی، قضایی و سیاسی به عنوان وجوه سه‌گانه اصلی عدالت اجتماعی در گفتمان فکری انقلاب اسلامی آشکار شد. پر گویاست که تحقق عدالت اجتماعی در عرصه‌های سه‌گانه مذکور مستلزم به‌رسمیت شناخته شدن «برابری همگان در برابر قانون» به عنوان جوهره عدالت اجتماعی در گفتمان فکری جمهوری اسلامی ایران است. مقصود از برابری در مقابل قانون، برابری شهروندان در اعمال قانون است. در جامعه‌ای که افراد صرف نظر از موقعیت‌ها و امتیازات ذاتی و اکتسابی خود، از جایگاه یکسان و برابری در برابر قانون برخوردار باشند و به هنگام اعمال قانون بر شهروندان، به موقعیت‌ها و امتیازات مذکور توجه نشود، عدالت سیاسی برقرار می‌شود. (منصور میراحمدی در: علی‌اکبرعلیخانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۷). به گفته امام خمینی (ره)، «ما عدالت اسلامی را می‌خواهیم در این مملکت برقرار کنیم ... اسلامی که در آن شخص اولش با آن فرد آخر، علی‌السویه در مقابل قانون باشند. در اسلام چیزی که حکومت می‌کند یک چیزی است و آن قانون الهی ... در اسلام قانون است. همه تابع قانون هستند و قانون هم قانون خداست، قانونی است که از روی عدالت الهی پیدا شده است» (روح الله خمینی، ج ۹: ۴۲).

بدین ترتیب، عدالت اجتماعی پیوندی تنگاتنگ با قانون پیدا می‌کند. عدالت اجتماعی در صورتی تحقق می‌یابد که قانون عادلانه در جامعه به گونه‌ای عادلانه پیاده شود. عادلانه پیاده شدن قانون در جامعه در صورتی است که همگان در برابر قانون برابر دانسته شوند. این مهم، در گفتمان فکری انقلاب اسلامی، از این روست که قانون جایگاهی تعیین‌کننده نسبت به عدالت دارد. از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، «ملاک عدل و اقامه آن، قانون است. اگر چیزی برطبق قانون تحقق پیدا کرد، عدالت است و خلاف عدالت آن است که برخلاف قانون انجام بشود» (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۶۸: ۲۵۱). به همین دلیل، در این دیدگاه، زمانی می‌توان از عدالت واقعی در جامعه سخن گفت که «قانون عادلانه، اجرای عادلانه، نظارت عادلانه، قضاوت عادلانه، تقسیم عادلانه» باشد (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۷۱: ۱۳۴) و تمام این امور در صورتی است که قانون به عنوان ملاک و معیار رفتارها در نظر گرفته شود.

۳. نسبت‌سنجی آزادی و عدالت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران
از آنچه در توضیح جایگاه آزادی و عدالت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران گذشت، می‌توان به نسبت‌سنجی آزادی و عدالت در این دیدگاه پرداخت. از مباحث گذشته می‌توان به این نتیجه‌گیری رسید که امنیت حلقه واسط آزادی و عدالت است. بر این اساس، می‌توان در قالب یک قیاس‌گونه منطقی این‌گونه نتیجه گرفت:

عدالت زمینه‌ساز امنیت است؛

امنیت زمینه‌ساز آزادی است؛

در نتیجه، عدالت زمینه‌ساز آزادی است.

برپایه این قیاس‌گونه منطقی، عدالت بر آزادی تقدم می‌یابد و علت این تقدم، نقش زمینه‌سازی عدالت برای آزادی است. اما این زمینه‌سازی از طریق مفهوم واسط امنیت قابل تبیین است. تحقق عدالت در جامعه موجب تحقق امنیت می‌شود و تحقق امنیت موجبات تحقق آزادی را فراهم می‌سازد. در نتیجه، امنیت مفهومی است که ارتباط عدالت و آزادی را در این گفتمان فکری برقرار می‌سازد. تبیین این نسبت مستلزم توضیح دو مقدمه قیاس‌گونه فوق است.

الف) عدالت و امنیت در گفتمان فکری انقلاب اسلامی

در گفتمان فکری جمهوری اسلامی ایران، عدالت و امنیت دو مفهوم هم‌عرض شناخته می‌شوند. در این گفتمان هم عدالت و هم امنیت از مفاهیم مهم و کانونی به حساب می‌آیند، اما در نسبت‌سنجی میان این دو می‌توان به تقدم عدالت بر امنیت حکم راند. این تقدم را از این جهت می‌توان توضیح داد که «عدالت در معنای غایی‌اش، تولیدکننده آرامش است» (اصغر افتخاری در: علی‌اکبر علیخانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷۰). در این گفتمان فکری چنانچه عدالت برقرار شود، ناامنی از جامعه رخت برمی‌بندد و امنیت و آرامش برقرار می‌شود. از این دیدگاه، امنیت زمانی حاکم می‌شود که بی‌عدالتی‌ها و ظلم و ستم‌ها در جامعه از بین برود. به همین دلیل، امام خمینی (ره) در این‌باره می‌فرماید: «دولت در خدمت مردم است و از زورگویی و استبداد، که منشأ اصلی ناامنی و هراس و ترس عمومی در جامعه به شمار می‌آید، خبری نیست» (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸: ج ۶، ۲۵۶).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این گفتار، زورگویی و بی‌عدالتی منشأ ناامنی دانسته شده، در نتیجه، برای برطرف کردن ناامنی و برقراری امنیت، لازم است ظلم و



زورگویی ریشه کن شود و عدالت استقرار یابد. استقرار عدالت در جامعه، خدمت‌رسانی صحیح دولت به مردم را به‌همراه دارد و در این صورت، زمینه ناامنی به منظور رقابت ناسالم برای تأمین منافع از بین می‌رود. به همین دلیل، مبارزه مداوم با عوامل تجاوزگر و زمینه‌های تعرض احتمالی و نیروهای فشار و وحشت، مهار کردن عواملی که زمینه تعرض دارند و پیشگیری‌های لازم برای خشکاندن ریشه‌های تعدی و تعرض، از عوامل مهم تحقق امنیت دانسته می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۹۰: ۴۱۳).

ب) آزادی و امنیت در گفتمان فکری انقلاب اسلامی

آزادی به مفهومی که گذشت پیوندی تنگاتنگ با مفهوم امنیت در گفتمان فکری انقلاب اسلامی دارد. در این گفتمان فکری، اگرچه هر دو مفهوم به مثابه دو مفهوم هم‌عرض در نظر گرفته می‌شود، آزادی در رتبه متأخر بر امنیت قرار می‌گیرد. به سخن دیگر، در این گفتمان، امنیت بر آزادی مقدم می‌شود و در نتیجه، آزادی تا آنجا پذیرفته می‌شود که امنیت جامعه محفوظ باقی بماند. بر این اساس، امنیت نقشی مهم در تعیین قلمرو آزادی ایفا می‌کند. به موجب قواعد و اصول امنیت، چنانچه آزادی در جامعه موجب خدشه‌دار شدن آن اصول شود، در گفتمان فکری انقلاب اسلامی، دولت حق دخالت در آزادی را پیدا می‌کند. از این رو، اگرچه به موجب اصل اولیه، دولت حق دخالت در آزادی را ندارد، به موجب اصول امنیت، در صورتی که آزادی، امنیت جامعه را تهدید کند، دولت از حق دخالت برخوردار می‌شود. از نگاه امام خمینی، قاعده کلی این است که «آزادی به همه کس تا آنجا که به ضرر ملت ایران نباشد، داده خواهد شد» (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۷۱). و در نتیجه، آزادی به همه مسالک و عقاید داده می‌شود، لکن اگر بخواهند شورش کنند، مسیر ملت را تغییر دهند و دست ظالم را نگه دارند، مجاز نخواهند بود. (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ۵۳۳).

بر این اساس، آزادی در چارچوب امنیت پذیرفته می‌شود. این گزاره، مفهوم «توطئه» را در ادبیات سیاسی گفتمان انقلاب اسلامی وارد کرده است. براساس این مفهوم، «آزادی بیان و قلم و عقیده برای همگان آزاد می‌باشد لکن مردم توطئه را هرگز اجازه نمی‌دهند» (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۶۲). به همین دلیل، «آزادی غیر از توطئه است» (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۳۳). «آزادی قلم هست، آزادی بیان هست، ولی آزادی توطئه و آزادی فساد در کار نیست» (روح‌الله خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۹۱).



از دیگر مفاهیمی که رابطه آزادی و امنیت را در این گفتمان فکری نشان می‌دهد، مفهوم «امنیت سیاسی» است. امنیت سیاسی وضعیتی است که افراد در جامعه بدون هرگونه نفاق و فریب‌کاری بتوانند آزادانه دیدگاه‌ها و مواضع خود را بیان کنند. چنین برداشتی از مفهوم امنیت سیاسی را می‌توان در کلام آیت‌الله خامنه‌ای مشاهده کرد. به گفته ایشان، امنیت سیاسی «این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دو گونه‌گویی و دو گونه اندیشی باشد» (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۷۸: ۷۹). بر این اساس، امنیت سیاسی به مفهوم وجود آزادی برای طرح دیدگاه‌ها در جامعه از سوی افراد و گروه‌های مختلف است. در واقع وجود امنیت سیاسی در جامعه، آزادی شهروندان را به دنبال می‌آورد. در چنین شرایطی، «مردم احساس امنیت سیاسی و روانی می‌کنند» (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۸۷: ۱۴۰)، در حالی که چنانچه در جامعه، دروغ‌گویی، فریب‌کاری و تقلب وجود داشته باشد، امنیت سیاسی مردم به خطر می‌افتد و هیچ‌کس احساس آرامش نمی‌کند. از این رو، در این دیدگاه ارتباطی تنگاتنگ میان آزادی و امنیت در جامعه مشاهده می‌شود. این ارتباط است که ضرورت مراقبت از امنیت را به منظور مراقبت از آزادی مردم به دنبال می‌آورد. در گفتمان فکری انقلاب اسلامی، پرهیز از اختلال در امنیت سیاسی امری ضروری دانسته می‌شود و در نتیجه، «نظام اسلامی با اخلاص‌گران در امنیت مردم طبعاً برخورد می‌کند. این وظیفه نظام است» (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۹۹). بر گویاست که برخورد با اخلاص‌گران امنیت نه به مفهوم دخالت در آزادی شهروندان، بلکه به مفهوم مراقبت از آزادی آنان است زیرا؛ به میزانی که امنیت در جامعه محقق شود، آزادی شهروندان تحقق می‌یابد.

بنابر آنچه گذشت، می‌توان ارتباط امنیت و آزادی را از دو زاویه توضیح داد: از یک‌سو، آزادی در چارچوب امنیت قرار می‌گیرد و در نتیجه، تا جایی پذیرفتنی است که امنیت جامعه را با خطر روبه‌رو نسازد. از سوی دیگر، آزادی در صورتی قابل تحقق است که امنیت در جامعه وجود داشته باشد. هر دو گزاره تقدم امنیت بر آزادی را نتیجه می‌دهد. گزاره نخست، امنیت را از آن رو بر آزادی مقدم می‌دارد که امنیت چارچوب و مبنایی را در اختیار قرار می‌دهد که آزادی در درون آن به رسمیت شناخته می‌شود. گزاره دوم نیز به تقدم امنیت بر آزادی حکم می‌راند به این دلیل که تا امنیت سیاسی در جامعه تحقق نیابد، نمی‌توان به تحقق آزادی واقعی در آن جامعه رسید. بنابراین، در نسبت‌سنجی امنیت و آزادی می‌توان به تقدم امنیت بر آزادی در این



گفتمان فکری حکم کرد، اما چنین حکمی نباید به مفهوم جواز مخدوش ساختن آزادی به بهانه حفظ امنیت دانسته شود. این حکم در واقع بدین مفهوم است که بدون تحقق امنیت نمی‌توان به تحقق آزادی اندیشید. از این رو، تحقق آزادی مستلزم برقراری امنیت در جامعه است و به همین دلیل، می‌توان آزادی را ثمره امنیت دانست.

ج) عدالت، آزادی و امنیت در گفتمان فکری انقلاب اسلامی

تقدم عدالت بر امنیت و تقدم امنیت بر آزادی، لاجرم تقدم عدالت بر آزادی را در مناسبات مفهومی این دو به همراه می‌آورد. گفتمان فکری انقلاب اسلامی عدالت را زمینه‌ساز امنیت دانسته و امنیت را زمینه‌ساز آزادی و در نتیجه، عدالت بر آزادی تقدم می‌یابد. بر این اساس، در گفتمان فکری انقلاب اسلامی، در صورتی آزادی تحقق می‌یابد که امنیت برقرار شود و امنیت در صورتی تامین می‌شود که عدالت تحقق یابد. در نتیجه می‌توان به این نتیجه‌گیری رسید که تحقق آزادی در گرو برقراری عدالت در جامعه است.

نتیجه‌گیری فوق با در نظر گرفتن دو نکته مهم قابل پذیرش است: نخست آنکه نسبت مذکور به مفهوم تک‌عاملی دیدن رابطه میان «عدالت و امنیت»، «امنیت و آزادی» و در نتیجه، «عدالت و آزادی» نیست. به سخن دیگر، از مباحث گذشته نمی‌توان به این نتیجه دست یافت که تنها عامل تحقق امنیت، عدالت است و تنها عامل تحقق آزادی، امنیت و در نتیجه، تنها عامل تحقق آزادی، عدالت است؛ بلکه آنچه از این مباحث به دست می‌آید این است که مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز امنیت، عدالت است و مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز آزادی، امنیت است و در نتیجه، مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز آزادی، عدالت است. بر این اساس، در کنار عدالت، نیز عوامل دیگری در تحقق امنیت نقش دارند؛ همان طوری که عوامل دیگری نیز در کنار امنیت در تحقق آزادی وجود دارند. در نتیجه، در کنار عدالت، عوامل دیگری نیز در تحقق آزادی نقش ایفا می‌کنند. از آنجا که مقاله حاضر در دایره مفهومی سه مفهوم عدالت، آزادی و امنیت تنظیم و ارائه می‌شده است، به سایر عوامل و مفاهیم نپرداخته و تنها مناسبات این سه مفهوم را مورد توجه قرار داده است.

نکته دوم درباره نتیجه به دست آمده فوق این است که تقدم عدالت بر آزادی در گفتمان فکری انقلاب اسلامی ضرورتاً به مفهوم تقدم رتبی عدالت بر آزادی نیست. تقدم عدالت بر آزادی به مفهوم کم‌اهمیت بودن رتبه آزادی در این گفتمان نبوده،



همان‌طور که تقدم عدالت بر امنیت نیز به مفهوم کم‌اهمیت بودن رتبه امنیت نیست. به سخن دیگر، نسبت‌سنجی مفاهیم سه‌گانه مذکور از منظر نسبت‌سنجی جایگاه رتبی این مفاهیم نبوده، بلکه از منظر زمینه‌سازی برای تحقق این مفاهیم، بوده است. این نکته اگرچه می‌تواند به نوعی بیانگر اهمیت مفاهیم و جایگاه آنها در گفتمان فکری انقلاب اسلامی ایران باشد، چنین هدفی، در تحقیق حاضر دنبال نشده است. به زعم نگارنده، رسیدن به چنین نتیجه‌ای بحث گسترده‌ای می‌طلبد که از مجال اندک نوشتار حاضر خارج است.

نتیجه‌گیری

موضوع نوشتار حاضر نسبت‌سنجی میان دو فضیلت عدالت و آزادی در جامعه براساس گفتمان فکری انقلاب اسلامی و در قالب مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران بود. پرداختن به این مهم مستلزم نگاهی گذرا به مفهوم و جایگاه آزادی و عدالت در این گفتمان فکری بود.

آزادی در گفتمان فکری انقلاب اسلامی عمدتاً در سه سطح فرهنگی، مذهبی و سیاسی- اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. در این گفتمان فکری آزادی به مفهوم «رهایی انسان از موانع رشد و شکوفایی در مسیر تعالی و در نتیجه، شکوفایی استعدادهای انسانی»، «برخورداری اقلیت‌های دینی و مذهبی از حق برگزاری مراسم عبادی و مذهبی بر طبق آیین مذهبی خود» و «برخورداری شهروندان از حقوق اساسی و امکان استیفای این حقوق در قالب‌هایی چون آزادی قلم، آزادی بیان، آزادی انتخاب و رأی و آزادی شرکت در تشکل‌ها و انجمن‌ها» به رسمیت شناخته شده است. عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی نیز عمدتاً در سه سطح اقتصادی، قضایی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. در این گفتمان فکری عدالت به مفهوم «برخورداری افراد جامعه از حداقل‌ها در راستای تأمین نیازمندی‌های اقتصادی و فرصت‌های اقتصادی عادلانه در عرصه فعالیت‌های اقتصادی»، «اجرای عادلانه قوانین عادلانه در عرصه قضاوت» و «رعایت انصاف در تصمیم‌گیری‌ها و روابط اجتماعی به منظور تحقق برابری سیاسی و فضای عادلانه در اداره جامعه» به رسمیت شناخته شده که خلاصه آن را می‌توان در مفهوم «برابری همگان در برابر قانون» تعبیر کرد. در نسبت‌سنجی آزادی و عدالت در گفتمان فکری انقلاب اسلامی، بر پایه دیدگاه رهبران فکری آن، می‌توان به تقدم عدالت بر آزادی حکم کرد. تبیین این رابطه در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی



ایران در گرو تبیین مناسبات این دو با امنیت است. در تبیین عدالت و امنیت، عدالت از این حیث بر امنیت تقدم می‌یابد که در صورت تحقق عدالت، بسیاری از عوامل ناامنی در جامعه رخت برمی‌بندد و زمینه‌های لازم برای تحقق امنیت فراهم می‌شود. امنیت نیز به نوبه خود در ارتباط با آزادی، از نوعی تقدم برخوردار می‌شود. در این گفتمان فکری، امنیت نیز از این رو بر آزادی تقدم می‌یابد که زمینه‌ساز آزادی است. آزادی در این گفتمان فکری، در چارچوب امنیت پذیرفته شده است و با وجود آن، آزادی شکوفا می‌شود. چنین نسبتی میان دو گانه‌های «عدالت و امنیت» و «آزادی و امنیت» نقش و جایگاه امنیت را به عنوان مفهوم واسطه نشان می‌دهد. بر این اساس، عدالت از طریق امنیت، به تحقق آزادی می‌انجامد. به سخن دیگر، تحقق عدالت، موجبات تحقق امنیت و تحقق امنیت موجبات تحقق آزادی را فراهم می‌آورد و در نتیجه، می‌توان عدالت را زمینه‌سازی آزادی دانست.



منابع

- آشوری ، محمد (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات ، انصاف و عدالت، تهران : دانشگاه تهران.
- ایزدهی ، سیدسجاد (۱۳۸۷)، نظارت بر قدرت در فقه سیاسی، قم : پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸)، اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)
- افتخاری، اصغر؛ علی اکبر علیخانی و همکاران،(۱۳۸۸)، درآمدی بر نظام سیاسی عدالت در اسلام، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۸۲)،(۱۳۸۶) و (۱۳۸۷)، حدیث ولایت ، تهران : مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، اندیشه های راهبردی (چهارمین نشست)، تهران : پیام عدالت.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۱)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام ، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- علی اکبر، علیخانی و همکاران (۱۳۸۸)، درآمدی بر نظام سیاسی عدالت در اسلام، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۰)، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴)، اندیشه سیاسی امام خمینی، قم: دفتر نشر معارف.
- لک زایی، شریف (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی نظریه های ولایت فقیه، قم : پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶) ، گفتارهای معنوی ، تهران : صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، پانزده گفتار، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، آینده انقلاب اسلامی، تهران: صدرا.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۴)، اسلام و دموکراسی مشورتی ، تهران: نشر نی.

